

## نقد و بررسی آثار شیعی سبزواری و پیوند آن با سربداران

دکتر علی تسنیمی<sup>۱</sup>

### چکیده:

شیعی سبزواری واعظ و عارف وارسته قرن هشتم، آثاری چند در بیان فضایل و معجزات پیامبر (ص) و کرامات ائمه اطهار (علیه السلام) از خود به یادگار گذاشته است، یکی از نوشته‌های وی مصابیح القلوب است متنی که نویسنده هدف از فراهم ساختن آن را گردآوری مباحثی منسجم برای علاقه مندان و مبتدیان فنّ وعظ و موعظه بیان می‌دارد. از جمله ویژگی‌های این متن آمیختگی نثر با آثار نظم و شعر نویسنده یا شاعران دیگر است، همچنین گاه با بیان داستان و حکایت‌های مربوطه به برخی از مشایخ صوفیه با هدف ترویج اصول مذهبی و تعالیم اخلاقی، اثر خود را جذاب تر کرده است. در نوشته‌ی حاضر ضمن معرفی شیعی و آثار او به جنبه‌های عرفانی مصابیح القلوب توجه شده است تا نشان دهیم او عالمی شیعی و عارفی آگاه به رموز تصوف بوده است. **واژگان کلیدی:** سربداران، شیعی سبزواری، مصابیح القلوب، عرفان و تصوف.

---

۱. دانشگاه حکیم سبزواری

## مقدمه

سبزوار همانند سایر شهرهای خراسان تا آغاز قرن هفتم هجری تحت سلطه خوارزمشاهیان بود، اما وقایع نیمه نخست سده هفتم، تغییرات چشم‌گیری در اوضاع سیاسی منطقه پدید آورد و هجوم مغولان دولت بزرگ خوارزمشاهیان را نابود ساخت (جوینی، ۱۳۹۰: ۱۳۴/۱) و حکومت ایلخانان جای آن را گرفت (خواند میر، ۱۳۶۲: ۲۲۶). حکومت این امیر مغولی در خراسان دوام زیادی نکرد و با کشته شدنش به دست سرداران، حکومتش پایان یافت.

حکومت سرداران با توجه به اندیشه‌های مشایخ متصوفه همچون شیخ خلیفه مازندرانی (متوفای ۷۶۲ق) و شیخ حسن جویری که تحمل جور ستم مغولان نداشتند پا به عرصه ظهور گذاشته و با رنگ و بوی مذهب تشیع در سبزوار تشکیل شد.

از میان حاکمان سردار، وجیه‌الدین مسعود (۷۳۸-۷۴۵) و خواجه علی مؤید (۷۶۶-۷۸۳) جزو امیران مقتدر سرداری محسوب می‌شوند (خواند میر، ۱۳۶۲: ۳۶۰/۲-۳۵۴) خواجه یحیی کرابی (۷۵۶-۷۵۹) نیز یکی از حاکمان عدالت‌پیشه‌ی این سلسه است. یحیی کرابی را حاکمی اهل تقوا و صلاح معرفی کرده‌اند که در جهت تقویت علما و درویشان همت گماشته بود «او پهلوان صورت و معنی بود هم اصالت و هم شجاعت داشت و هشیج کس زهره‌ی آن نداشت که در مجلس او سخن بیهوده گوید. اهل اصلاح و تقوا در زمانش به فراغ‌بالی زندگانی می‌کردند و تربیت تقویت علما کردی و درویشان رعایت نمودی و به سرهنگان، مرسوم کامل رساندی و نوکران و ملازمان او مجموع صوف پوش و برک‌بند بودند و بر سر خوان کرم او پیوسته فقیر و غنی می‌نشستند.» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۶۱۹/۵)

دولتشاه در مورد او می‌نویسد: «مرد نمازگزار، اهل طاعت و تلاوت کلام بوده، اما قتال بی‌باک بود و گاه‌گاه خشکی دماغ و جنون او را عارض شدی.» (سمرقندی، ۱۳۶۶: ۲۱۳) خواندمیر نوشته: «که در فراغ‌باب و دفاع حال علما و فضلا سعی موفور فرمود.» (خواندمیر، ۱۳۶۳: ۳۶۴/۳) و میرخواند نیز توضیح داده است که «اکثر اوقات با صلحا صحبت می‌داشت، مهمات شرعیه را به علمای دین مبین تفویض نمود.» (میرخواند، ۱۳۳۹: ۳۲۰/۵)

### سربداران و مشایخ صوفیه

با حمله مغول و وحشی‌گری‌های آنان، بسیاری گوشه‌گیری و عزلت را پیشه کرده و به عرفان روی آوردند، اما در این میان شیخ خلیفه‌ی مازندرانی که ابتدا از پیروان شیخ بالو بود و مدتی نیز شاگردی شیخ علاء الدوله سمنانی را تجربه کرد، دغدغه برقراری عدالت اجتماعی و مبارزه و پیکار با بیداد او را بر آن داشت تا مشایخ خود را ترک گفته و طرحی نو اندازد، او برای تبلیغ اندیشه‌ی خود شهر سبزواری را انتخاب کرد و در مسجد جامع شهر ساکن گردید. چون قرآن را با صدای بلند و آوازی خوش می‌خواند و از نظر علمی و معنوی نیز شخصیتی خوشایند عامه مردم داشت مریدان بسیاری پیدا کرد، در نتیجه «فقها او را انکار نموده و از نشست در مسجد منع کردند». (میرخواند، ۱۳۳۹: ۶۰۵/۵) پطروشفسکی می‌نویسد: «شهر سبزواری و ناحیه بیهقی که برای این تبلیغات برگزیده شده بود. بهترین و مناسبترین محل بود». (پطروشفسکی، ۱۳۵۱: ۳۶) حضور شیخ خلیفه و مرید او شیخ حسن جویری در منطقه بیهقی که با استقبال و پذیرش عمومی همراه بود نشان از گرایش‌های عرفانی در بین علما و حاکمان این دیار داد. از جمله‌ی عالمان و اندیشمندان این دوره حسن شیعی سبزواری است که در زمان حیات سیاسی یحیی کرابی می‌زیسته و برخی از آثار خود را بنا به خواسته‌ی این امیر نوشته، لذا به نظر می‌رسد با او ارتباط تنگاتنگی داشته است. هدف این نوشتار اگر چه ابتدا معرفی این واعظ و عارف وارسته است اما در نظر داریم نشان دهیم او تحت تعلیم اندیشه‌ی تشیع علوی گرایش‌های عارفانه و صوفیانه که نیز داشته است.

### شخصیت و زندگی شیعی سبزواری

حسن بن حسین سبزواری بیهقی معروف به شیعی، مکنی به ابوسعید یا ابوعلی (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۳۳۸/۴) یکی از نویسندگان و مترجمان پرکار نیمه نخست قرن هشتم هجری است.

تاریخ ولادت شیعی در جایی ثبت نشده است اما بر اساس این نظر که او را از شاگردان علامه حلّی (متوفای ۷۲۶) دانسته‌اند (حلّی، ۱۴۱۱: ۴۸) و (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۵) گفته‌اند که شیعی کتاب ارشاد الاذهان استاد خود، علامه حلّی را در سال ۷۱۸ ق. نسخه برداری کرده است (همان: ۳۵) می‌توان این احتمال را داد که وی در اواخر قرن هفتم به دنیا آمده است. با توجه

به آن چه گفته‌اند، اطلاعات زیادی به دست نمی‌آید جز آن چه امین در کتاب اعیان الشیعه و آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام الشیعه آن را ذکر کرده‌اند (امین، بی تا: ۵۲/۵-۵۱) و (تهرانی، ۱۴۰۳: ۳۹۰/۸).

مؤلف نیز در آثارش اطلاعات مفیدی از خود ارائه نمی‌دهد، از کتاب راحة الارواح و مونس الاشباح چنین حاصل می‌شود که نزد امیران سربداری قرب و منزلتی داشته است. شیعی در مقدمه این اثر آورده است: «پادشاه اعدل اعظم، مالک رقاب الامم، انساب سلاطین العرب و العجم کھف المظلومین، ملاذ الضعفا و المساکین، المخصوص بمواهب الله رب العالمین، نظام الحق و الدین، یحیی بن صاحب الاعظم، منبع الجود و الکر، شمس الدوله و الفلک و العز و التمکین، خواجه کرابی اعلی الله تعالی اقتداره و عظم سلطنته ... که اساس عدل و انصاف ظاهر گردانید و رسم ظلم و بدعت برداشت ... چون در دلش به لطف مردی گشاده بود و به نور افمن شرح الله صدره للاسلام منور به محبت اهل بیت رسول (ص) و مودت عترت بتول به میان دل و جان و اندرون روح و روان وی رسیده بود. از او خواست که بعضی از شرح موالید حضرت سید المرسلین و بنت آل حضرت سیده نساء العالمین و ائمه الطاهیرین المعصومین و برخی از معجزت و ذکر اعمار و وفات ایشان جمع آورد و تحفه مجلس گرداند و او در انجام این خواهش یحیی سربداری کتاب راحة الارواح و مونس الاشباح را در پانزده باب نوشت (شیعی سبزواری، ۱۳۷۸: ۱۲).

زمان وفات شیعی مثل ولادت وی در جای نیامده است اما علامه تهرانی بر اساس ترقیمه‌ی مؤلف در پایان یکی از نسخه‌های راحة الارواح، نام برده را در سال ۷۵۷ زنده داسنته است (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۵) و (تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۰/۵۵) و (شیعی سبزواری، ۱۳۷۵: ۱۲).

بعضی منابع به او لقب «تاج الدین» داده‌اند (حسینی، ۱۴۰۲: ۱۶۲/۱) اما آن‌چه وی معروف بدان است «الشیعی» است که اکثر شرح حال نویسان بر این لقب سبزواری اتفاق نظر دارند (بغدادی، بی تا: ۲۸۹) و (افندی، ۱۴۰۱: ۱۷۶/۱) و (اعجاز، ۱۴۰۹: ۵۵/۱۰). در الارواح و مونس الاشباح خود را شیعی سبزواری می‌خواند (شیعی سبزواری، ۱۳۷۵: ۲۲).

عناوین دیگری چون «عالمی خبیر و عارف» (تهرانی، ۱۴۰۳: ۱۹۳/۳) و (بغدادی، بی تا: ۲۸۹) و «واعظ بصیر» (مدرس تبریزی، ۱۳۷۴: ۳۳۸/۳) نیز برای سبزواری بر شمرده‌اند. شاید عنوان عارف برای وی به این دلیل باشد که با صوفیان سربداری رفت و آمد داشته است. عنوان

واعظ بصیر برای سبزواری نیز از آن جهت است که مجلس وعظ نیز داشته است. فعالیت‌های وی و تالیفاتش به‌گونه‌ای است که گویی تنها در جهت نشر مذهب تشیع گام بر می‌دارد. وی کوشیده است تا با ترجمه و خلاصه کردن متون به زبانی ساده و عامه فهم مردمان را به سوی آشنایی با مذهب تشیع سوق دهد.

### تالیفات سبزواری

#### ۱. بهجة مباهج فی تلخیص مباهج فی مناہج الحجج

کتابی در بیان فضایل و معجزات پیامبر (ص) و کرامات ائمه‌ی اطهار، این اثر ترجمه‌ای است از کتاب مباهج المبهج فی مناہج الحجج اثر قطب‌الدین کیدری، نویسنده‌ی برجسته‌ی شیعی که در قرن ششم می‌زیسته است. شیعی بهجة المباهج را در ۴۴ فصل تنظیم کرده و این کتاب را به خواجه نظام‌الدین یحیی سربداری اهدا کرده است (جعفریان، ۱۳۷۹: ۲۵۱).

#### ۲. غایة المرام فی فضایل علی و اولاده الکرام

کتاب مختصری درباره‌ی فضایل و مناقب اهل بیت است که شیعی آن را با استفاده از روایات شیعه و سنی نگاشته و برخلاف بهجة المباهج، در این کتاب سلسله روایان و اسناد احادیث را حذف کرده است. (افندی، ۱۴۰۱: ۱۷۶/۱).

#### ۳. راحة الارواح و مونس الاشباح

شیعی این کتاب را به خواهش سلطان نظام‌الدین یحیی بین صاحب‌الاعظم شمس‌الدین خواجه کرابی نگاشته است. کتابی است در شرح موالید حضرت سید المرسلین و حضرت فاطمه (س) و ثمة اطهار علیه‌السلام و بعضی از معجزات و وفات ایشان که در پانزده باب نوشته و هر بابی را بر چند فصل تقسیم کرده است (شیعی سبزواری، ۱۳۷۸: ۱۵).

#### ۴. ترجمه کشف الغمه عن معرفة احوال الائمة و اهل بیت الهصمة - علیهم السلام -

اثر علی بن عیسی اربلی (متوفای ۶۹۲ هـ) که اختصاص به شرح زندگانی و احوال پیامبر اکرم (ص) و فاطمه زهرا و امامان دوازده گانه -علیهم السلام- و فضایل و مناقب آنان

دارد. اربلی در این کتاب به منابع اهل سنت استناد می‌کند و دو رساله از جاحظ در فضیلت اهل بیت را در ابتدای اثر خود می‌آورد تا به قبول نزدیک تر باشد (تهرانی، ۱۴۰۳: ۴۷/۱۸).

#### ۵. بازنویسی ارشاد الازهان

از منابع مهم فقهی شیعیان به شمار می‌رود، شیعی این کتاب را در سال ۷۱۸ هـ. کتابت کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۶: ۳۵) کتابی در فقه مذهب تشیع که علامه حلی آن را دو جلد نوشته است.

#### ۶. بازنویسی تکلّم السعادات

شیعی کتاب تکلّم السعادات فی کیفیت العبادات المسنونات را رونویسی کرده و آن‌گونه که از نامش برمی‌آید اثر در شرح عبادات است. این کتاب را ابوالمحاسن علی جرجانی در سال ۷۰۲ نوشته است و شیعی کار نسخه برداری از آن را در سال ۷۴۷ هـ. به پایان برده است (تهرانی، ۱۴۰۳: ۴۱۴/۴).

#### ۷. مصابیح القلوب

کتابی با نثر شیوا، دلپذیر که نمایانگر سبک نوشته‌های مذهبی در خراسان سده‌ی هشتم است. نویسنده هدف از فراهم ساختن این متن را گردآوری مباحثی منسجم برای علاقه‌مندان و مبتدیان فن وعظ و موعظه بیان می‌دارد.

از جمله ویژگی‌های این متن آمیختگی نثر با آثار نظم و شعر نویسنده یا شاعران دیگر است، همچنین گاه با بیان داستان و حکایت‌های مربوطه به برخی از مشایخ صوفیه با هدف ترویج اصول مذهبی و تعالیم اخلاقی، اثر خود را جذاب‌تر کرده است.

محمد سپهری مصحح این اثر در ذیل عنوان اصلی افزوده است «شرح فارسی پنجاه و سه حدیث اخلاقی از پیامبر اکرم (ص)» در حالی که به نظر می‌رسد این مجموعه، همچنان که نویسنده در آغاز متذکر شده است به واقع تنی است برای مبتدیان فن موعظه، به همین جهت مؤلف کتاب را به پنجاه و سه فصل مطابق با پنجاه و سه هفته تبویب کرده است تا یک واعظ

برای برگزاری پنجاه و سه جلسه موعظه یک ساله خود مطلب و منبع کافی در اختیار داشته باشد.

### جنبه‌های ادب صوفیانه مصابیح القلوب

در نوشته‌های حاضر ضمن معرفی شیعی و آثار او به جنبه‌های عرفانی مصابیح القلوب توجه شده است تا نشان دهیم او عالمی شیعی و آگاه به رموز تصوف بوده است.

#### الف: حدیث

شیعی سبزواری چند سخن منسوب به پیامبر (ص) را که در امهات کتب صوفیه آمده را ذکر و شرح کرده است، در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- روی عن النبی (ص) «الشریعه اقوالی و الطریقه افعالی و الحقیقه احوالی و المعرفه راس مالی، و الشوق مرکبی و الخوف رفیقی و الفقر فخری و به افتخر علی سائر انبیاء» ۳۶۳  
 ۲- در بحر محیط معرفت «کنت کنراض مخفياً» جز غواصان جانباز عاشق پیشه نمی‌رسند. ۱۹۳ «کنت کنزاً مخفياً فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف» این عبارت در برخی کتب مانند بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۹۹، با عبارت روی یعنی روایت شده آمده است و مرحوم فیض کاشانی در کلمات مکنونه، ص ۳۳ آن را بیان کرده است و در مجموع شاید تمایل بیشتر علما به حدیث نبودن آن باشد. در متون عرفانی از جمله مرصادالعباد به استناد شده است.

۳- «انا عند منکسره قلوبهم المندرسه قبورهم»

#### ب: فقر

در موضوع فقر ضمن این که در چندین موضع به حدیث نبوی الفقیر فخری را اشاره می‌کند در یک جا تفسیری ارائه می‌دهد که یادآور سخن هجویری در کشف المحجوب است. «و اندر حکایات یافتیم که: روزی جنید و ابن عطا -رحمهما الله- را در این مسأله سخن همی رفت. ابن عطا دلیل آورد که بر آن که: «اغنيا فاضل ترند؛ که به ایشان به قیامت حساب کنند،

و حساب، شنواینیدن کلام بی واسطه باشد اندر محل عتاب، و عتاب از دوست به دوست باشد. «جنید گفت: «اگر اغنیا حساب کنند، از درویشان عذر خواهند. و عذر فاضل‌تر از عتاب حساب.» و اینجا لطیفه‌ای عجب است. گوییم که: اندر تحقیق محبت، عذر بیگانگان باشد و عتاب مخالفت. و دوستان اندر محلی باشند که این هر دو اندر احوال ایشان آفت نماید؛ از آن که عذر بر موجب تقصیری بود که اندر حق دوست کرده باشد. چون دوست حق خود از وی طلب کند، او از وی عذر خواهد. و عتاب بر موجب تقصیری که رفته باشد اندر فرمان دوست؛ آنگاه دوست بدان تقصیر وی را عتاب کند. و این هر دو نیز محال باشد. (هجویری، ۱۳۸۵: ۳۵)

شیعی چون جنید بر این باور است که خداوند در آخرت از فقرا عذر خواهد خواست: درویشان نواختگان فضل لویند و بر کشیدگان لطف اویند به سکین تسکین و حسام انتقام سر نفس کبر بی قدر بریده‌اند ... زهی خوش حالتی که قاصد به مقصود رسیده، نسیم اقبال از مهب افضال بوزیده... معشوق عاشق را سلام آمده و این ندا در عالم در داده... که ای دوستان رنجتان رسده، دشوار بود بر من آن په به شما رسده، امروز مراد شما بدهم... ۲۵۱

### ج: عشق و محبت

در متون عرفانی عمده بحث عشق و محبت ذیل آیه ۵۴ سوره مائده مطرح می‌شود: "إِيَّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ"

تصوف گرایان متعهد به حدود شریعت همواره کلمه‌ی محبت را برعشق ترجیح داده‌اند، بسیاری از عرفا از جمله ابونصر سراج، ابوبکر کلابازی، ابوطالب مکی، ابوقاسم قشیری، هجویری و خواجه عبدالله انصاری هر کدام بخش مستقلی از کتاب‌های مشهور خود را به بحث درباره محبت اختصاص داده‌اند اینان یا اصلاً متذکر کلمه عشق نشده‌اند و به اشاره‌ای گذرا از آن گذشته‌اند.

۱- به‌طور کلی می‌توان درباره عشق و محبت الهی سه گروه را تشخیص داد: متمکان به ظاهر شریعت از عالم کشف و ذوق بی‌خبرند، آنان پیوند روحی عاشقانه میان عبد و حق را منکر



می‌شوند و کاربرد کلمه عشق را به کلی رد می‌کنند، یحبهم به مفهوم ارادت خیر و انعام خاص حق به عبد است و یحبونه تعظیم حق و اختیار رضای او از طریق طاعت و بندگی است

۲- تصوف گرایان شریعت مدار هستند که معروف‌ترین کتاب‌ها نظری درباره تصوف را نوشته‌اند و کوشیده‌اند میان شریعت و طریقت پیوند برقرار کنند.

اینان منکر محبت میان خالق و مخلوق نمی‌شوند اما از کاربرد کلمه‌ی عشق یا پرهیز می‌کنند یا اگر بدان اشاره نمایند در جهت رد آن است.

۳- صوفیان اهل ذوق و کشف و اشراق هستند که از طریق تجربه‌های روحی و دریافت‌های علمی لحظه‌های گسستن از من را تجربه کرده‌اند برای آنان خواه محبت و خواه عشق با همان بار شدید و پرشور عاطفی‌اش معنا دارد کسانی چون جنید بغدادی، ابوالحسن نوری، عین القضاة، احمد غرالی و مولوی (پورنامداریان، ۱۳۸۲: ۲۵)

تفسیر سبزواری از آیه مذکور به تفکر گروه سوم نزدیک است آنجا که می‌گوید: عاشقان سه طایفه اند: عاشقان دنیا و عاشقان غضبی و عاشقان مولا ...

عاشقان مولا کیستند؟ سابقان که مغربان حضرتند... به تخصیص «یحبهم» مخصوص و مشرف گشته، تاج کرامت «یحبهم» بر سر ایشان نهاده. ۱۹۷

عاشقان از حیات آن‌گه لذت یابند که به تیغ او کشته شوند، از جان و دل آنگاه بر خورند که جان و دل در راه او بازند

تا مردی به تیغ عشق بی سر نشود	در حضرت معشوق مطهر نشود
هم عشق طلب کنی و هم سرخواهی	آری خاهی ولی میسر نشود (۱۵۰)

#### د: عقل و ناتوانی او در کسب معرفت

خطاب به باری تعالی گوید:

ای عقل نبرده سوی عرفان تو راه علم تو ز سرّ سرّ فکرت آگاه (۲۰۱)

#### ه: تأثیر پذیری از اشعار و کتاب‌های عرفا و صوفیه:

شیعی اگر چه نام منابع مورد استفاده خود را ذکر نمی‌کند، اما بسیاری از مطالب او در این کتاب برگرفته از امهات کتب صوفیه است و این نشان از مطالعه مستمر این‌گونه آثار است،

به عنوان نمونه در صفحه‌ی (۱۹۳) غزلی از نجم رازی را که در کتاب معیار الصدق فی مصداق عشق آمده است را نقل می‌کند:

دعوی عشق جانان در هر دهان نگنجد	وصف جمال رویش در هر زبان نگنجد
نجم حدیث وصل زنهار تا نگویی	کان عقل در نیابد و اندر دهان نگنجد
نیز در جای جای کتاب اشعار حافظ را به مناسبت ذکر می‌کند:	
مرغ باغ ملکوتیم نیم از عالم خاک	دو سه روزی قفسی ساخته ام از بدنم
ای نسیم سحری بوی نگارم به من آر	تا من شوق قفس را همه در هم شکنم

#### و: کاربرد اصطلاحات خاص صوفیه

بسیاری از اصطلاحات عارفان و صوفیان در متن آمده است، از جمله خانقاه، شراب محبت، کهنه پوش و...: بزرگی گوید وقتی درویشی به خانقاه آمد و از من حلوا خواست ... گفت از خواب برجستم و در حال حلوا کردم و پیش دویش نهادم. [درویش نپذیرفت و] قدم از خانقاه بیرون نهاد. درویش چندان قدح شراب محبت نوشیده بود که به حلوایش میل نماند. ۲۴۹

شیخ ابوالحسن نوری روزی با یاران خود به صحرا رفته بود از دور جوانی ماه دیداری پدید آمد، سرو پای برهنه، کهنه پوشیده، شراب محنت نوشیده ۱۹۳

#### ز: حکایات صوفیان:

در آغاز یادآور شدیم که سبزواری برای جذابیت سخنان و مواعظ خود به حکایت متوصل می‌شود، از جمله حکایت‌های مربوط به صوفیان چون ابراهیم ادهم، بشر حافی، حاتم اصم، حسن بصری، ذوالنون مصری و...

## منابع

۱. اعجاز، حسین (۱۴۰۹). **کشف الحجب و الاستار عن اسماء الكتب و المنقار**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۲. افندی، عبدالله (۱۴۰۱). **ریاض العلماء و حیاض الفضلاء**. تحقیق سید احمد حسینی اشکوری. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۳. امین، سید محسن (بی تا). **اعیان الشیعه**. بیروت: دارالاضواء.
۴. بغدادی، اسماعیل پاشا (بی تا). **ایضاح المکنون**. بیروت: دار الحیاء التراث العربی.
۵. پطروشفسکی، ایلیا یاولوویچ (۱۳۵۱). **نهضت سربداران خراسان**. چاپ سوم. ترجمه‌ی کریم کشاورز. تهران: پیام.
۶. تهرانی، آقا بزرگ (۱۴۰۳). **الذریعه الی تصانیف الشیعه**. بیروت: دارالاضواء.
۷. جعفریان، رسول (۱۳۷۹). **منابع تاریخ اسلام**. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. جوینی، عطاملک (۱۳۹۰). **تاریخ جهانگشا**. تصحیح محمد قزوینی. تهران: دنیای کتاب.
۹. حسینی، سید احمد (۱۴۰۲). **فهرست نسخه های خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی**. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۰. خواند میر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین (۱۳۶۲). **تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر**. زیر نظر محمود دبیر سیاقی. تهران: کتاب‌فروشی خیام.
۱۱. طباطبایی، سید عبدالعزیز (۱۴۱۶). **مکتبه العلامه الحلی**. قم: موسسه آل‌البتیة الاحیاء التراث.
۱۲. علامی حلّی، حسن بن یوسف؛ فضل‌الله بن روزبهان (۱۴۲۲). **دلائل‌الصدق لنهج‌الحق**. دمشق: موسسه آل‌البتیة علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
۱۳. مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۷۴). **ریحانة‌الادب**. ۴ جلدی. تهران: خیام.
۱۴. میرخواند، محمدبن خاوندشاه (۱۳۸۰). **روضه‌الصفاء**. تصحیح جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.

